

فرهنگ قرآنی^۱

هرگاه مردم به درجه بالایی از اعتماد به خداوند برسند خداوند چیزهای کوچک را نیز برخوردار از

کارآمدی و تاثیر بزرگ قرار خواهد داد مثلاً عصای موسی فرعون را می ترساند .

... از مهمترین موارد، از مهمترین موضوعات در قرآن کریم تمرکز فراوان آن بر معرفت خداوند متعال است.

برترین و مهمترین و بزرگترین منبع خدانشناسی، قرآن کریم است. قرآن کریم به شما اعتماد به خدا میدهد و

معارف آن در زمینه شناخت خداوند به گونه ای است که در وجود انسان، عظمت پروردگار و عشق به او را رسوخ

می دهد و همزمان به او باور نیرومندی از اعتماد به خدا می دهد.

این اعتماد مانند اعتمادی نیست که برای انسان هنگام نیازمندی، بیماری یا داشتن بیمار یا داشتن یک نیاز

مشخص بدون اینکه دارایی داشته باشد حاصل می شود که در این حالت به خدا رجوع می کند و خدا را مخلصانه

می خواند، این حالت تقریباً همان است که برای مشرکان گرفتار در دریا هنگامی که از غرق شدن می ترسند،

حاصل می شود: دَعَاُ اللّٰهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ لَئِنْ اُنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ: در آن هنگام، خدا را از روی

اخلاص می خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!» (یونس/۲۲)

اعتماد به خداوند نشأت گرفته از یک اعتماد آگاهانه است و نه اعتماد کورکورانه، خدای سبحان در قرآن کریم آنجا

که درباره دوستان خود سخن می گوید اشاره می نماید که چگونه ایشان بر اساس اعتماد به او حرکت می کنند و

در قرآن اشاره کرده است که چگونه خداوند بر همین اساس حفاظت خود را به آنان می بخشد زیرا آنان بر او

اعتماد می کنند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ اَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ:

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد

^۱ بخشی از سخنرانی الثقافه القرآنیه که در تاریخ ۲۰۰۲/۸/۴ ایراد شده است.

داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! (مائده/۱۱) خدا دست آنها را از شما باز داشت.

چقدر در قرآن کریم ذکر کرده از نمونه های بسیار زیاد که برای انسان روشن می کند که چگونه خداوند دوستان خود را که به او اعتماد دارند، حفظ می کند. چگونه از آنها دفاع می کند. چگونه پشتیبانی شان می کند و چگونه یاریشان می کند. آیا خدا درباره آن گروهی که از هزاران دسته بنی اسرائیل در داستان طالوت و جالوت رهایی یافته بودند و بعد از آن که بسیاری از رودخانه نوشیدند و شمار اندکی بر ایمان خود باقی ماندند، نفرمود:

لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان) است (بقره/۲۴۹)

این گروه اندک مومنان اعتماد کننده به خدا بودند، در حالتی از چیرگی خدا بر احساسات خود به سر می بردند و خداوند در احساسات و درونشان زنده بود، گفتند: کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان) است (بقره/۲۴۹)

بعد چه شد؟ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ: سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند (بقره/۲۵۱) سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند!

قرآن در مورد داستان موسی علیه السلام می فرماید توجه کنید: موسی مردی فقیر است که اسلحه ای را که فرعون دارد، لشگری را که فرعون دارد، ندارد. در دست او عصایی است، و رو به سوی مصر به همراه همسر و گوسفندان و چهارپایان اش. خداوند فرمود: وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى

غَنَمِي وَلِيَّ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى: و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! موسی گفت: این عصای من است که بر آن تکیه می کنم و به وسیله آن برای گوسفندانم برگ درختان را فرومی ریزم، و نیازهای دیگری نیز به آن دارم (طه/۱۸، ۱۷) برای این عصا چیزی بیشتر از این نبود. - به باور من - خداوند خواسته که در آن عصا نیرویی را قرار دهد که فرعون و خاندانش را بهراساند.

هرکس به خدا اعتماد داشته باشد، کسانی که به خدا اعتماد داشته باشند اگر مردم به درجه ای از اطمینان و اعتماد قوی به خداوند سبحان برسند، خداوند چیزهای ساده را دارای کارآمدی و تاثیر بسیار بزرگ قرار خواهد داد. عصای موسی فرعون را می ترساند، تبدیل به اژدهایی می شود، تمام خاندان فرعون را می هراساند، تمام آن نیرنگ ها را از بین می برد، همه آنچه را که ساحران انجام داده بودند از بین می برد. خداوند به موسی فرمود: اُنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ: عصایت را بینداز پس همان دم ساخته های آنها را می بلعید (الأعراف: من الآية ۱۱۷) و تمام آن ریسمان هایی را که انداخته بودند و عصاهایی را که به خیال بینندگان مار می آمد و مثل مار حرکت می کردند از بین برد.

این عصا یک سلاح کارآمد است. یک سلاح. یک آیه. یک وسیله برای گشایش و فرج است، دارای نقشه های گوناگون است، با این عصا همه نیروی فرعون همه شکوهش، همه لشکریانش ابزارهای نظامی اش و همه دژهایش از بین رفت، همان عصایی که موسی درباره آن گفت: بر آن تکیه می کنم و گوسفندانم را با آن می رانم. (طه آیه ۱۸)

به اینگونه در قرآن کریم موارد فراوانی را می یابید که انسان را مورد خطاب قرار می دهد که به خدا اعتماد کن و هرگاه چنین اعتماد درستی بر خداوند باشد پیروز خواهد بود.

و از اعتماد به خداوند آن است که مطمئن باشی که تو در مسیر هدایت او حرکت می کنی و گرنه تو دعا خواهی کرد، گروهی از عالمان عابدان در مسجد جمع می شوند و دعا می کنند علیه آمریکا و اسرائیل، اما اتفاقی نمی افتد. چون مساله بدین گونه نیست.

باید حرکت کنید بر اساس اعتماد زیرا آنچه نشان می دهد که انسان در حالت اعتماد به خدای سبحان و تعالی زندگی می کند این است که حرکت کند، حتی در شرایطی که ببیند همه امور اطرافش هم مسیرش نیست، ببیند همه چیزهای اطرافش از او دور است، و خود را ناتوان می بیند، جایگاه خود را متفاوت از دیگران و سخنش را نکوهیده دیگران. این همان لحظه ایست که دلالت دارد بر میزان اعتماد تو بر خداوند. اگر در چنین شرایطی حرکت کردی تو تکیه بر خداوند داری در یک دوره مشخص.

توجه کنید اگر دولتی بیاید و بگوید هر آنچه که ما در اختیار داریم در اختیار شما باشد آیا مردم در چنین شرایطی نیرومند می شوند؟ در چنین شرایطی دیگران را تهدید و هشدار نمی دهند؟ چرا؟

اما در شرایطی که خداوند به شما می گوید می توانید به سطحی برسید که خدا با شما باشد و هرگاه خدا با شما باشد لشکریان آسمان و زمین با شماست، آیا این بزرگتر از آن چیزی نیست که فلان دولت از سلاح و ابزارها در اختیار دارد؟

چرا تو را ناتوان میبینم؟ چرا تو را تسلیم شده میبینم؟ چرا تو را اینگونه ذلیل و خوار می بینم؟ چرا تو را از تفکر اینکه عملی علیه دشمنان خدا بکنی دور می بینم؟ چون تو در شرایط شناخت درست خدا به سر نمیبری؟ و در شرایط اعتماد به او نیستی؟

اگر حاکمیتی بیاید و بگوید این مجموعه سلاحها و اردوگاهها در اختیار شماست، آیا مردم بعد از این با برخورداری از اینها نیرومند می شوند؟ آیا نیرومند خواهند شد؟ دوستان خداوند به خدا اعتماد دارند در سخت ترین شرایط...

اطمینان به خداوند از مهم ترین چیزهایی است که قرآن کریم بر آن تمرکز دارد و گاهی چنین می یابی که اگر مردم تکیه و اعتماد خود را به خداوند از دست دهند به حالتی از کفر می رسند خودشان هم آن را نمی فهمد. چگونه؟

مثلا آیات صریحی را می یابید که به این موضوع اشاره دارد:

{وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ} قطعاً قطعاً خداوند کسانی را که او را یاری کنند یاری می کند چرا که خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است { (الحج: من الآية ٤٠) {إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ} اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می دارد { (محمد: من الآية ٧) {قَاتِلُوهُمْ يَعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ مُؤْمِنِينَ} با مشرکان پیکار کنید در این صورت خداوند آنان را به دست شما عذاب می کند و خوار و ذلیلشان می سازد و شما را بر آنان پیروز می گرداند و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد { (التوبة: ١٤) {لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ يُولَوْكُمْ الْاُدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ} آنان هرگز به شما زیانی نمی رسانند، فقط شما را اندک آزاری می دهند، و اگر با شما بجنگند، به شما پشت می کنند و می گریزند، سپس از سوی هیچ کس یاری نخواهند شد { (آل عمران: ١١١)

و چه بسیار مشابه این آیات، اما هنگامی که به سوی مردم باز می گردیم آنها می گویند دشمنان خدا چنین می کنند. چنان حرکت می کنند پس چرا ما کاری نکنیم؟ گفته می شود به خدا قسم نمی توانیم، ما مستضعفیم، ما چیزی نداریم، چه می توانیم بکنیم؟ در حالی که اینها وعده هایی است که در قرآن کریم آمده ما چگونه آنها را تحقق ببخشیم؟! این سخنان به چه معناست؟ که من در انتها آن آیات را خواندم { قطعاً قطعاً خداوند کسانی را که او را یاری کنند یاری می کند چرا که خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است } من در واقعیت خود و همه ما در این واقعیت مان بر این حکم می کنیم که خدا یا تنها تو هستی که می توانی یاری کنی و تو قوی و تو عزیزی، اما اگر دشمنانی مثل قریش باشند مثل کسانی که در رویارویی با پیامبر بودند، اما آمریکا اسرائیل هرآنچه که از سلاح ها این قدرت ها دارند خدا نمی تواند؟ این یک واقعیت است. ما در نگرشمان به خداوند اینگونه می اندیشیم هرکس بگوید ما در برابر آمریکا نمی توانیم کاری بکنیم و بعد از آنکه خداوند می فرماید و لینصرالله یا مثل این عبارت های قوی و عزیز او دچار کفر شده است .

الله اکبر / مرگ بر آمریکا / مرگ بر اسرائیل / نفرین بر یهود / اسلام پیروز است.

نهایتاً معنای آن، این است که خدایا درست است تو قوی هستی شکست ناپذیری اما در برابر آمریکا نه، تو بر کار خود چیره ای، بر بندگان چیره ای، اما در مقابل آنها نه. واقعیت اینگونه است، نگاه مردم در واقع اینگونه است. آیا این یک کفر زشت نیست؟ کفر زشتی در درون ما که آن را درک نمی کنیم؟

سبب آن چیست؟ ضعف اعتماد و تکیه به خداوند، ضعف اعتماد به خدا آدمی را اینگونه قرار می دهد که می پندارد که او نمی تواند در برابر آنها کاری انجام دهد. آنها چه کسانی هستند؟ آنها دوستان شیطانند که خداوند درباره شان فرمود: فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا پس با دوستان شیطان پیکار کنید که قطعاً نیرنگ شیطان سست است (نسا ۷۶)

و هر چه پلیدی آنها زیاد شود ، فساد آنان نیز زیاد می شود. آیا این به این معنا نیست که اینگونه افراد ولایت و علاقه مندی شان به شیطان افزوده می شود؟ و هرچه ولایت آنها به شیطان افزوده شود ناتوان تر خواهند شد و هرچه علاقه مندی و وابستگی شان به شیطان افزون شود وابستگی شان به موجودات ضعیف و رانده شده و طرد شده بیشتر خواهد بود. و هم چنین تاثیری را خواهد پذیرفت و هم نکوهیده رانده شده و خوار و ناتوان خواهد بود. ممکن است کسی بپرسد، به شما بگویم ما از دوستان خداییم اما برای چه ما به دوستان شیطان نگاه شگفت زده و افتخارآمیز می کنید و آنها را مهم می شمارید و آنها را بزرگ می بینید و آنها را سدی در برابر خداوند می بینید و نه تنها در برابر خودتان بلکه در برابر خداوند در حالی که خودتان را فرزندان قرآن و فرزندان اسلامی و از دوستان خدا می نامید در حالی که شما در چنین وضعیت خطرناکی از عدم اطمینان به خداوند به سر می برید؟ چه پاسخی دارید؟

اگر ما خداشناسی مان از طریق قرآن نباشد چه ابزار دیگری برای شناخت داریم و نمی توانیم به چنین مرتبه ای از شناخت که قرآن ما را به آنجا رسانده ، برسیم . در نتیجه ممکن است تسبیح بگویید و برای خدا نماز بگذارید و بگویید الله اکبر اما خدا را در واقعیت خود ناتوان تر از این بینید که کاری در مقابل دشمنان انجام دهد و او ناتوان

تر از این باشد که در برابر این ها کاری را به انجام برساند و نمی تواند آن که او را یاری می کند، یاری نماید در حالی که تو می گویی خداوند نیرومند و عزیز است.